

ازدواج و طلاق این دهه هفتادی‌های عجول!

دهه هفتادی‌ها برخلاف شصتی‌ها وقتی با هم آشنا می‌شوند دیگر زیاد موضوع را کش نمی‌دهند، بلکه خیلی زود بساط عروسی را برپا می‌کنند. بویژه آنها که دانشگاهی هستند، همان ترم اول یا نهایتاً ترم دوم!



دهه هفتادی‌ها برخلاف شصتی‌ها وقتی با هم آشنا می‌شوند دیگر زیاد موضوع را کش نمی‌دهند، بلکه خیلی زود بساط عروسی را برپا می‌کنند. بویژه آنها که دانشگاهی هستند، همان ترم اول یا نهایتاً ترم دوم!

به گزارش سلامت نیوز، روزنامه ایران نوشت: داستان ازدواج در جامعه ایرانی که روزگاری جزو ساده‌ترین اتفاقات زندگی یک جوان بود این روزها آنقدر پیچیده شده که خیلی از خانواده‌ها از آن می‌ترسند. حالا دیگر گویا با لباس سفید رفتن و با لباس سفید بازگشتن هم به سرآمده است. این موضوع البته برای دهه شصتی‌ها بیشتر صادق است. فکر شیرینی لحظه‌های مشترک هم نمی‌تواند خیلی از دهه شصتی‌ها را پای سفره عقد بنشاند. چرا که آنها با سرعت نور از کنار ازدواج فرار می‌کنند. اما در سوی مقابل این روزها دهه هفتادی‌ها هستند که کولاک کرده‌اند، طوری که در همان سنین پایین ازدواج می‌کنند. دهه هفتادی‌ها برخلاف شصتی‌ها وقتی با هم آشنا می‌شوند دیگر زیاد موضوع را کش نمی‌دهند، بلکه خیلی زود بساط عروسی را برپا می‌کنند. بویژه آنها که دانشگاهی هستند، همان ترم اول یا نهایتاً ترم دوم! بعضی از دهه هفتادی‌هایی هم که درس نمی‌خوانند چه خدمت بروند و چه نروند، برای ازدواج اعلام آمادگی می‌کنند. البته به خرج جیب پدر!

در این بین همان قدر که ترفندهای دهه شصتی‌ها برای شانه خالی کردن از بار ازدواج نگران‌کننده است، راه حل‌های دهه هفتادی‌ها هم برای مجاب کردن والدین به ازدواجشان عجیب به نظر می‌رسد. از سوی دیگر وقتی سری به دادگاه می‌زنیم متوجه می‌شویم که همین دهه هفتادی‌ها برای گرفتن طلاق صف کشیده‌اند. خیلی هایشان از این می‌گویند که آتش گرم عشق به دلایلی به سردی نشسته و حالا آمده‌اند تا به زندگی کوتاه یکی دو ساله پایان دهند.

از طغیان سنی غرایز تا دوراهی والدین

بهرام سازگار، جامعه شناس و استاد دانشگاه درباره موج ازدواج‌های دهه هفتادی می‌گوید: «این مسأله از چند باب قابل بررسی است. اول اینکه باید دید که به طور عرفی و علمی سن بلوغ فکری یک پسر و دختر در شرایط امروز جامعه ایران چند است؟ چرا که باوجود گسترش رسانه‌ها و منابع اطلاعاتی به دلیل وابستگی شدید بچه‌ها به والدین خود، رشد فکری باید به شکل دیگری ترجمه شود. نباید فراموش کرد که در سنین 18 تا 24 سالگی درگیری‌های غریزی در وجود یک پسر غوغا می‌کند. به شکلی که بخش قابل توجهی از ظرفیت ذهنی وی در اختیار مسائل غریزی و انتخاب‌های منطبق با این معیار است. به این ترتیب این پسر دچار تناقض‌های عجیبی می‌شود، از یک سو به هزار و یک دلیل نمی‌تواند مشکلات فکری پیش آمده را با والدین مطرح کند و از سوی دیگر طغیان عاطفی و جنسی در وجودش بیدار می‌کند، به این ترتیب تنها راه را در ازدواج می‌بیند.» این استاد دانشگاه می‌افزاید: «وقتی هم که با والدین خود این مسأله را مطرح می‌سازد، والدین در خلوت خود بر سر دوراهی قرار می‌گیرند. یا باید جوان بی‌تجربه‌ای را که خیلی از امور مهم زندگی‌اش روی زمین مانده روانه دریای زندگی مشترک کنند یا از او بخواهند که غرایزش را سرکوب کند.»

وابستگی شدید مالی، پاشنه آشیل ازدواج

در این بین مسأله دیگری که خیلی از خانواده‌های دهه هفتادی را با مشکل روبه رو کرده، عدم استقلال مالی آنهاست. به این شکل که این نسل علی‌رغم اینکه تمایل به ازدواج دارد، بشدت به والدین خود وابسته است از همین رو خیلی از والدین هم توانایی تأمین مالی هزینه زندگی مشترک فرزندان خود را ندارند.

بهرام سازگار، در این باره معتقد است: «وقتی یک پسر دانشجوی کم سن و سال زندگی تشکیل می‌دهد و شخصاً درآمدی ندارد در واقع بار زندگی‌اش را به دوش والدینش می‌اندازد. به این ترتیب اولاً هزینه‌های زندگی برای پدر خانواده دوبرابر می‌شود که این منشأ تنش است. دوم اینکه همسر این جوان که معمولاً کوچکتر و بی‌تجربه‌تر از اوست نسبت به این وابستگی واکنش منفی دارد. بویژه اینکه هر روز این همسر از این جوان بی‌پول خواسته‌های جدیدتری دارد. این منشأ تنش‌های فراوان و طلاق‌های زود هنگام است.» این استاد دانشگاه درباره تبعات این مسأله در ازدواج دهه هفتادی‌ها عنوان می‌کند: پسری که به دلیل نداشتن بضاعت مالی تصمیم به جدایی از همسرش می‌گیرد پس از طلاق بشدت سرخورده است. چرا که وی احساس

حقارت اجتماعی می‌کند و این یعنی شکل‌گیری یک شخصیت جدید در وی با گره‌های روانی پیچیده‌تر!

روزنه‌ای برای گریز از اختلاف سلیقه با والدین

سارا فرجام، روانشناس و استاد دانشگاه نیز بر این باور است که ازدواج زودهنگام دختران می‌تواند در نهایت به طلاق منجر شود. این استاد دانشگاه عنوان می‌کند: «دختران از لحاظ روانشناسی در سنین پایین به شدت تحت تأثیر محرک‌های احساسی بسیار قوی هستند. به این ترتیب آنها به شدت به یک تکیه‌گاه عاطفی نیاز دارند. به همین دلیل هم بدون توجه به هیچ مسأله دیگری چشم‌های خود را می‌بندند و در سن پایین تصمیم به ازدواج می‌گیرند.

بویژه اینکه در این سنین به طور معمول به دلیل تغییرات فرهنگی نسل‌ها در خانواده ایرانی معمولاً تنش‌هایی میان والدین و دختران وجود دارد که این مسأله دختران را به این گونه ازدواج‌ها که معمولاً بدون شناخت هم صورت می‌گیرد بیشتر تشویق می‌کند.

چرا که آنها احساس می‌کنند باید از روزنه‌ای که برایشان به وجود آمده استفاده کرده و از خانه پدری خارج شوند. غافل از اینکه پسر طرف مقابل هم به دلیل سن پایین، تجربه کم و البته وابستگی شدید به والدین خود نمی‌تواند تکیه‌گاه مناسبی برای همسرش باشد. > این استاد دانشگاه می‌افزاید: اتفاقاتی که در ذهن دو طرف به دلیل ترشح هورمون‌های خاص رخ می‌دهد سبب می‌شود تا این دو احساس کنند که حتماً در این سن به یک فرد از جنس مخالف نیاز دارند. به این ترتیب خانواده‌های خود را برای ازدواج زود هنگام تحت فشار قرار می‌دهند.

این نسل را با نسل قبل مقایسه نکنید

در این بین اما برخی معتقدند که ازدواج زودهنگام چندان هم بد نیست و البته نسل گذشته هم در همین سنین پایین ازدواج می‌کردند و خیلی از آنها زندگی‌شان تا به امروز دوام آورده است. سارافرجام درباره این موضوع می‌گوید: > اولاً مقایسه بلوغ فکری این نسل با نسل گذشته کاملاً اشتباه است. چرا که به هر صورت این نسل سبک زندگی متفاوتی دارد که سبب می‌شود آمادگی برای تعهدپذیری در اغلب پسران تا سنین 25 یا 26 سالگی ایجاد نشود. ثانیاً اینکه به هر صورت بلوغ اقتصادی روی تصمیمات یک پسر در زندگی مشترک اثرگذار است. به این صورت که پسران در صورت داشتن استقلال اقتصادی در رفتارهایشان نسبتاً با ثبات‌تر برخورد می‌کنند.

موضوعی که در اکثریت پسران جامعه ایرانی با این تب مدرک‌گرایی و علاقه همه به درس خواندن تا سنین بالای 25 سال معمولاً ایجاد نمی‌شود.

یعنی استقلال اقتصادی برای پسران تا چنین سنینی بسیار دشوار خواهد بود. > به عقیده این روانشناس نکته سومی که باید در جواب این افراد که معتقد به ازدواج زودهنگام دهه هفتادی هستند بیان کرد، این است که غرایز آنها در مرحله‌ای از زندگی مشترک فروکش می‌کند و سپس چشم‌های آنان به واقعیت‌های زندگی مشترک باز می‌شود و این آغاز یک بن‌بست است.

ذهن صفر و صد و پیش به سوی طلاق

سارا فرجام، پژوهشگر روانشناسی براین باور است که باید جوانان را از سنین 18 و 19 سالگی در مورد چگونگی برخورد با این غلبان احساسات آموزش داد و این مسأله را منتقل کرد که ازدواج باید در سن مشخصی صورت گیرد. چرا که تا پیش از این معمولاً پسر و دختر آمادگی روانی پذیرفتن مسئولیت را ندارند.

این استاد دانشگاه می‌افزاید: در این سنین ذهن پسران و دختران صفر و صد است و زمانی که با مشکلات چندگانه زندگی مشترک از اقتصادی گرفته تا اجتماعی و فرهنگی و مسئولیتی روبه‌رو می‌شوند نمی‌توانند از لحاظ روانی آن را مدیریت یا حل کنند

به این ترتیب بدون توجه به تبعات یک مسأله تصمیم به طلاق می‌گیرند. حال با این حرف‌ها و نگاه‌های کارشناسان باید زودتر فکری به حال این ازدواج‌ها کرد. مسأله‌ای که نمای کلی‌اش شگفت‌انگیز به نظر می‌رسد، دهه شصتی‌ها می‌گریزند و دهه هفتادی‌ها بی‌امان به ازدواج یورش می‌برند!